

تن تو خط بریل است

محمد کاشی

www.ketab.ir

سرشناسه: کاشی، محمد، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور: تن تو خط بریل است. / محمد کاشی

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: [۶۴]ص.

شابک: ۴-۷۳۳-۳۰۴-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۵۸ / ۱۳۹۹

رده بندی دیویی: ۸۱۶۲ / ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۱۲۲۰۰

فصل پنجم / ناشر مشخص شعر

تن تو خط بریل است / ممد کبیری

چاپ اول: ۱۳۹۹ / شمارگان: ۶۰۰ نسخه

طراح جلد: گروه طراحان ۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۷۳۳-۴

صندوق پستی ناشر: ۱۳۱۴۵-۴۵۱

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شهرک ۲، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۶۶۹۰۹۸۴۸ - ۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ - تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

- ۱/ و چیده بود خدا تکه‌های پازل را/ ۷
- ۲/ این سطرها که ریل و این صفحه مه شود/ ۸
- ۳/ و روی صورت خود پیرمرد چین انداخت/ ۹
- ۴/ وقتی دلت به فاصله انداختن خوش است/ ۱۰
- ۵/ لبخند زد شیطان، برایم قدری الکل ریخت/ ۱۱
- ۶/ مژگانی که بیفتد به تن آهوها/ ۱۳
- ۷/ تویی - من تن تو من بهشتی‌ام/ ۱۴
- ۸/ ششم ماه می‌گفت مفقودالآثر یعنی.../ ۱۵
- ۹/ با آن در چشم سبز، دو برگ برنده‌ات/ ۱۶
- ۱۰/ زندار ما با قدرها میله دارد/ ۱۷
- ۱۱/ گرفت سرش را بر سر سلاح‌هایش را/ ۱۸
- ۱۲/ این جمله‌ای که تویی - من و ول می‌خورد/ ۱۹
- ۱۳/ به من تو این همه نزدیک از آن دور منم/ ۲۰
- ۱۴/ یک مشک تکه تکه سده ریشه فرات/ ۲۱
- ۱۵/ ای کاش با تو وارد بازی می‌شدم/ ۲۳
- ۱۶/ سرگرم دسته کردن گل‌های دنی/ ۲۴
- ۱۷/ دو حرفی است، «من و تو»، سوان هشتاد و نه/ ۲۵
- ۱۸/ انداختند روی زمین تاس‌ها مرا/ ۲۶
- ۱۹/ مشتی مداد خسته و لگزد دارد/ ۲۷
- ۲۰/ هیچ راهی برای رفتن نیست/ ۲۸
- ۲۱/ و اگر دم امشب بی‌تفال، برگ‌ها را/ ۳۰
- ۲۲/ آه ای بت بزرگ سرم روی شانه‌ات/ ۳۱
- ۲۳/ من می‌کشم انگشت را بر تار، بر صورت نت‌های چنگم را/ ۳۲
- ۲۴/ زن مثل نقطه آخر سطر ایستاده تا.../ ۳۳
- ۲۵/ من دیم کارم زمینم، دنیاست ابر بهاری/ ۳۴
- ۲۶/ خرداد، تیر، اسلحه، مرداد، روی میز/ ۳۵

- ۲۷ / افتاده بود روی غزل‌هام سایه‌ای / ۳۶
۲۸ / تو می‌روی به بهشت رفیق، من به جهنم / ۳۷
۲۹ / همیشه در غزل هست گوشه دنجی / ۳۸
۳۰ / لطفاً پس از فریاد من پیغام بگذارید / ۳۹
۳۱ / وزد به صورت زن بی‌اجازه لیس، باد / ۴۰
۳۲ / من اخم و غرغر کردنش را دوست دارم / ۴۱
۳۳ / مرا گرفت در آغوش گرم و آبم کرد / ۴۲
۳۴ / خدا که اونو آفرید جای چشاش آتش گذاشت / ۴۳
۳۵ / دارم به چشم‌های تو عادت نمی‌کنم / ۴۴
۳۶ / یا کبوتر می‌پریدم، باز با تو / ۴۵
۳۷ / بگ حفت دست خسته ویران خالی / ۴۶
۳۸ / نقد بر در قصه‌ام بد می‌نویسند / ۴۷
۳۹ / آری بز، فرشته! بز! گل درست کن / ۴۸
۴۰ / در - دید - روانه یک برگ است هوشم / ۴۹
۴۱ / شب، بیست و چند، تلفن زنگ می‌زند / ۵۰
۴۲ / ققنوس‌ها را، شعاع را زاده آتش / ۵۱
۴۳ / تمام زندگی‌اش را کتاب کرد، فروخت / ۵۲
۴۴ / آه ای پری! دوباره نخور، آه ای ماه را / ۵۳
۴۵ / یک سایه کرده است مرا سبک و سحر / ۵۴
۴۶ / بر سنگ قبر من بنویسید: «سنگ و ده» / ۵۵
۴۷ / کاغذ نشسته چشم به راه مدادها / ۵۶
۴۸ / خوابم نمی‌برد نخورم قرص ماه را / ۵۷
۴۹ / من می‌کشم به خاطره‌های سرک هنوز / ۵۸
۵۰ / همین غزل نمی‌آید به ظاهرش، مرده / ۵۹
۵۱ / این کاغذ و مداد، تو یک نیمکت بکش / ۶۰
۵۲ / هر روز با همان هیجانان بی‌دلیل / ۶۱
۵۳ / پایان فیلمنامه چه غمگین تمام شد / ۶۲